



دانشگاه گسترده علمی و فناوری گلستان

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

<http://jead.gau.ac.ir>

صفحات: ۳۴-۱۷

DOI: 10.22069/jead.2021.19130.1484

## تحلیل موانع فرآروی کسب‌وکارهای زنان روستایی: مطالعه‌ای در حوزه آبخیز تیل‌آباد استان گلستان

بینا طباطبایی عمید<sup>۱</sup>، محمدرضا شهرکی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup>مربی گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، ایران

<sup>۲</sup>کارشناس اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

### چکیده

امروزه زنان نقش مهمی در زمینه کسب‌وکار و رشد اقتصادی کشورها داشته و ضروری است که شرایط مناسب برای خوداشتغالی و توسعه کسب‌وکار آنان در روستاها فراهم گردد. از این‌رو در این مسیر موانع و مسائل مختلفی وجود دارد که شناسایی و تلاش برای رفع آن‌ها می‌تواند منجر به تسهیل کسب‌وکارشان گردد. تحقیق حاضر نیز با هدف شناسایی موانع فرآروی کسب‌وکارهای زنان روستایی در حوزه آبخیز تیل‌آباد در استان گلستان انجام شد. این تحقیق بر مبنای راهبرد پیمایش به انجام رسید. کلیه زنان دارای کسب‌وکار به عنوان جامعه آماری انتخاب شد (N=۹۰) و به دلیل محدود بودن، همه آن‌ها به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که بر اساس نرم‌افزار SPSS21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی هشت عامل به عنوان موانع کسب‌وکار زنان روستایی شناسایی و نتایج نشان داد، موانع «اقتصادی» با میانگین ۷/۸۷ و «حمایتی-مدیریتی» با میانگین ۶/۷۸، مهم‌ترین موانع کسب‌وکار زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه بوده است. یافته‌ها حاکی از آن بود، موانع کسب‌وکار زنان روستایی در گروه‌های تحصیلی و شرکت در دوره آموزشی در سطح ۹۹ درصد و در گروه‌های نوع کسب‌وکار و داشتن تجربه قبلی کسب‌وکار در سطح ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی‌داری داشت. از این‌رو، افزایش ارتباطات محلی در راستای مطلوب نمودن محیط کسب‌وکار در روستاهای مورد مطالعه، تجدید در سیاست‌های حمایتی دولت از زنان کارآفرین جهت تأمین سرمایه‌های مالی جهت راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپای زنان از طریق اختصاص وام‌هایی با بهره کم و بلندمدت با تسهیل شرایط دریافت و بازپرداخت آن‌ها، از مهم‌ترین پیشنهادات تحقیق می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: زنان، روستا، اشتغال، مانع، تیل‌آباد.

\*نویسنده مسئول: [m.rshahraki@yahoo.com](mailto:m.rshahraki@yahoo.com)

## مقدمه

در رسیدن به توسعه پایدار روستایی عوامل متعددی تأثیرگذار می‌باشند و یکی از مهم‌ترین این عوامل، کسب‌وکاری است که با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نوآوری و ایجاد رفاه ایجاد شود که نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی جوامع روستایی دارد (Wennekers and thurik, 1999).

زنان روستایی با جمعیت ۲۸ درصدی نسبت به کل زنان کشور (قنبری و همکاران، ۱۳۹۶)، نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی به شکل‌های متفاوتی داشته (افراخته و همکاران، ۱۳۸۸؛ صیده و همکاران، ۱۳۹۶) و سهم قابل توجهی در تولید ناخالص ملی، مشاغل، نوآوری و رفاه اجتماعی دارند (Brush and Cooper, 2012). آن‌ها در اقتصاد روستاها علاوه بر به عهده گرفتن امور کلیدی در چارچوب اقتصاد خانواده، بخش عظیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد کشور را تشکیل داده‌اند (امینی و طاهری، ۱۳۹۵). لذا رسیدن به توسعه پایدار روستایی توجه بیشتر به زنان را می‌طلبد (میرکزاده و همکاران، ۱۳۸۹).

با توجه به این که توانمندسازی زنان روستایی یکی از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه روستایی در عصر حاضر است؛ از سیاست‌های مختلفی برای ارتقاء سطح توانمندی اجتماعی زنان روستایی بهره می‌گیرد که ایجاد کسب‌وکارهای خانگی یکی از آن‌ها است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ Ojediran and Anderson, 2020). به طوری که زنان روستایی از این طریق قادر به اداره تعداد زیادی از کسب‌وکارهای کوچک و فعالیت‌های تولیدی خانگی هستند تا سطح درآمد خود را افزایش داده تا بتوانند نقش مهمی در سطح معیشت خانواده داشته باشند (Akter et al., 2018). به بیان دیگر، زنان روستایی با ایجاد فرصت‌های درآمدزا

و اجرای برنامه‌های مختلف فعالیت‌های کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک، به افزایش درآمد کل خانواده کمک کرده و الگوهای مصرف و معیشت خانواده را بهبود می‌بخشد (Hoque et al., 2015). به گزارش سازمان جهانی نظارت بر کارآفرینی در سه سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ زنان موفق به راه‌اندازی ۸۳ میلیون کسب‌وکار شده‌اند (Fallatah, 2012; Niethammer, 2013). این در حالی است که در ایران آمارها نشان از آن دارد که کمتر از ۱۰ درصد کارآفرینان را زنان تشکیل داده‌اند (ممیز و همکاران، ۱۳۹۲؛ محمدی و محمدشریفی، ۱۳۹۸).

امروزه کسب‌وکارهای خانگی از بخش‌های حیاتی و ضروری فعالیت‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود. این نوع کسب‌وکار از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصولات یا خدمات، می‌تواند موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور شوند (مجبی، ۱۳۹۰). از این رو می‌توان گفت فعالیت در این عرصه علاوه بر کنترل بیکاری و ایجاد اشتغال می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس، خود اتکایی و در نهایت توانمند شدن جامعه روستایی منجر گردد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ Bastian et al., 2019). اما، به رغم وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوان در مناطق روستایی و توانایی زنان روستا برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، به دلیل برخی محدودیت‌ها، هنوز امکان بروز توانمندی‌های زنان در حد شایسته فراهم نشده است (حسینی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳). به بیان دیگر، آن‌ها برای رونق فعالیت‌های‌شان با دو مشکل اصلی مواجه هستند، اولی موانع و مشکلات عمومی محیط روستایی که مستقل از جنسیت است و دومی موانع و مشکلاتی است که مختص زنان کارآفرین در محیط‌های روستایی است (Javadian and Singh, 2012). نامتعادل بودن نیروهای بازار کار نشان می‌دهد که محدودیت‌های

مثبت اقتصادی و اجتماعی آن در عرصه خانوادگی و محیط روستایی خود را نشان نداده است. اما پس از گذشت حدود پنج سال از اجرای پروژه مذکور در منطقه، نتایج و بازخوردهای ایده‌آلی مبتنی بر کسب‌وکار زنان به دلایل مختلف شکل نگرفت. از این رو جهت حل این مسئله در محیط‌های روستایی هدف، نیاز به شناسایی جامع وضع موجود به منظور تحلیل دقیق و ریشه‌یابی موانع کسب‌وکار زنان وجود دارد تا به این سوال که چه موانعی پیش‌روی زنان در کسب‌وکارهای روستایی وجود دارد، پاسخ دهد.

### پیشینه تحقیق

تحقیقات و مطالعات داخلی و خارجی متعددی موانع، مشکلات و چالش‌های کسب‌وکارهای روستایی به ویژه زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. به طوری که هر یک از آن‌ها با بررسی زوایای جدیدی از این امر مهم، یافته‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. Cabala (۲۰۰۸) نیز توسعه فرهنگ کارآفرینی، آموزش کارآفرینی و توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی را سه پیش شرط اصلی توسعه کارآفرینی زنان روستایی بیان کرده است. یافته‌های تحقیقات حیدری ساربان (۱۳۹۱) و همچنین Ghouse و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند، موانع اجتماعی-فرهنگی، مؤثرترین موانع فرآروی کارآفرینی زنان روستایی بوده و موانع فردی، اقتصادی و روانشناختی در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند. تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که به ترتیب عوامل شخصیتی، فردی، اقتصادی، خانوادگی و دولتی، مهم‌ترین موانع توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان بوده است. ضمن این که، رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر عضویت در تشکلهای و سطح تحصیلات زنان با توسعه مشاغل خانگی آنان وجود داشت. بین سایر متغیرها از قبیل سن زنان، وضعیت

فرهنگی و ساختاری تأثیر قابل توجهی در کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری زنان دارد (گلرد، ۱۳۸۴). به طوری که، اهمیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به لحاظ نظری مورد پذیرش عموم صاحب‌نظران توسعه روستایی قرار گرفته، اما بسیاری از کشورها به ویژه ایران قادر به ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه این مشاغل نبوده‌اند (Gibson and Olivio, 2010).

با توجه به استقرار حوزه تیل‌آباد در استان گلستان در پروژه ترسیب کربن از سال ۱۳۹۳ که با همکاری مشترک بین اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان به نمایندگی از سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و دفتر عمران سازمان ملل متحد در ایران با هدف کاهش وابستگی جوامع محلی به عرصه‌های طبیعی از طریق توانمندسازی آن‌ها با تمرکز بر جامعه زنان روستایی به اجرا درآمد. لذا فعالیت‌های مهمی با هدف ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و خانگی در راستای توانمندسازی و توان‌افزایی روستاییان در حوزه تیل‌آباد صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و ترویجی، ثبت شرکت تعاونی و ایجاد صندوق‌های خرد روستایی در منطقه، ایجاد زمینه کشت، تولید، فرآوری و بازاریابی گیاهان دارویی، عملیات احیایی و اصلاحی در مراتع با مشارکت جوامع محلی، ایجاد فرصت‌های شغلی جایگزین دامداری و مشاغل کوچک خانگی به ویژه برای زنان، ترویج فرهنگ استفاده از انرژی خورشیدی و جلوگیری از بوته‌کنی در مرتع و فراهم نمودن دریافت تسهیلات کم‌بهره از بانک‌ها و صندوق‌های خرد روستایی، اشاره کرد.

با توجه به فعالیت‌های گسترده ایجاد کسب‌وکار و کارآفرینی به ویژه برای زنان در راستای اجرایی شدن پروژه ترسیب کربن در حوزه تیل‌آباد، هنوز تأثیرات

نتایج تحقیق Wendy and Chong (۲۰۰۷) نشان داد که طبقه اجتماعی، پایین بودن آگاهی، کمبود تقاضا، دسترسی نداشتن به منابع، انزوای روستا، دسترسی نداشتن به دانش فنی و پایین بودن مهارت در کارآفرینی زنان در کشور مالزی مؤثرند. Starcher (۱۹۹۶) نیز گرایش پایین مردان در پذیرش زنان به عنوان همکار در تیم‌های کاری را از موانع عمده کارآفرینی زنان روستایی می‌باشد. یافته‌های تحقیق Roomi and Parrot (۲۰۰۸) در پاکستان نشان داد که عدم دسترسی به سرمایه، زمین، محل کسب‌وکار، فناوری اطلاعات، آموزش، نگرش‌های ذاتی جامعه مدرساران، تشویق نشدن زنان در توسعه کارآفرینی است. Sathiabama (۲۰۱۰) در پژوهش خود بیان داشته است که، زنان کارآفرین علاوه بر مشکلات مرتبط با بازاریابی محصولات تولیدی‌شان، مسئولیت‌های خانوادگی‌شان مانع دستیابی آن‌ها به بعضی از فرصت‌ها می‌شود. Kumbhar (۲۰۱۳) در تحقیقاتش که به بررسی مشکلات پیرامون توسعه کارآفرینی زنان روستایی در کشور هند پرداخته به این نتیجه رسیده است که، فاکتورهایی همچون عدم وجود برنامه مشخص برای زندگی، ضعف آزادی مالی، فقدان مالکیت مستقیم بر دارایی، عدم آگاهی در مورد ظرفیت خود و ریسک‌پذیری پایین را از مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های توسعه کارآفرینی در زنان روستایی بیان کرده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته توسط محققانی همچون Ramadani و همکاران (۲۰۱۵) در کشورهای آلبانی، مقدونیه و کوزوو و Jamali (۲۰۰۹) در کشور لبنان، یکی از مهم‌ترین مشکلات کارآفرینان زن را حفظ تعادل بین تعهدات خانوادگی و تعهدات کاری دانسته‌اند. Mehtap و همکاران (۲۰۱۶) در نتایج تحقیقات‌شان مهم‌ترین مشکلات و موانع کسب‌وکار زنان روستایی در کشور اردن را ضعف اقتصادی و کمبود مالی،

تأهل، داشتن یا نداشتن الگوی نقش، موفقیت یا عدم موفقیت الگوی نقش، داشتن تجربه شخصی در زمینه مشاغل خانگی و توسعه کسب‌وکارهای خانگی رابطه معناداری وجود نداشت. یاسوری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق‌شان، کمبود امکانات، عوامل فرهنگی، مالی، عوامل خانوادگی و فردی را از مهم‌ترین موانع کسب‌وکار زنان روستایی دانسته‌اند. در مطالعه‌ای دیگر، علوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) نداشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی، پایین بودن سطح سواد زنان روستایی و وظایف زیاد زنان در خانه را به عنوان اثرگذارترین موانع اشتغال زنان در شهرستان کاشمر بیان کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش شاطریان و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که عدم کارآفرینی زنان روستایی و عوامل محیطی - جغرافیایی نسبت به سایر عوامل بیشترین تأثیر را بر وضعیت کارآفرینی روستایی داشته و بیشترین میزان کارآفرینی در زنان با تحصیلات کم‌تر و زنان سرپرست خانوار مشاهده شده است. سواری و همکاران (۱۳۹۶) و Ellis (۲۰۰۳) نیز معتقدند فقدان دسترسی زنان به اعتبارات و خدمات حمایتی از موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی هستند. Cronies (۲۰۰۶) نیز معتقد است، نبود نهادهای حمایت‌کننده و سازماندهی ضعیف کارآفرینان زنان روستایی، پایین بودن سطح تحصیلات، وجود تبعیض در بازار کار و وجود باورهای سنتی درباره زنان از موانع مؤثر در توسعه و تقویت کارآفرینی زنان در منطقه روستایی است. Poon و همکاران (۲۰۱۲) و Rijkers (۲۰۱۲) نیز در تحقیقات جداگانه‌ای، سطح پایین سرمایه اجتماعی در میان اعضای خانواده، دسترسی دشوار به بازارهای عمومی، اعتبارات، سرمایه و امکانات آموزشی از مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی هستند.

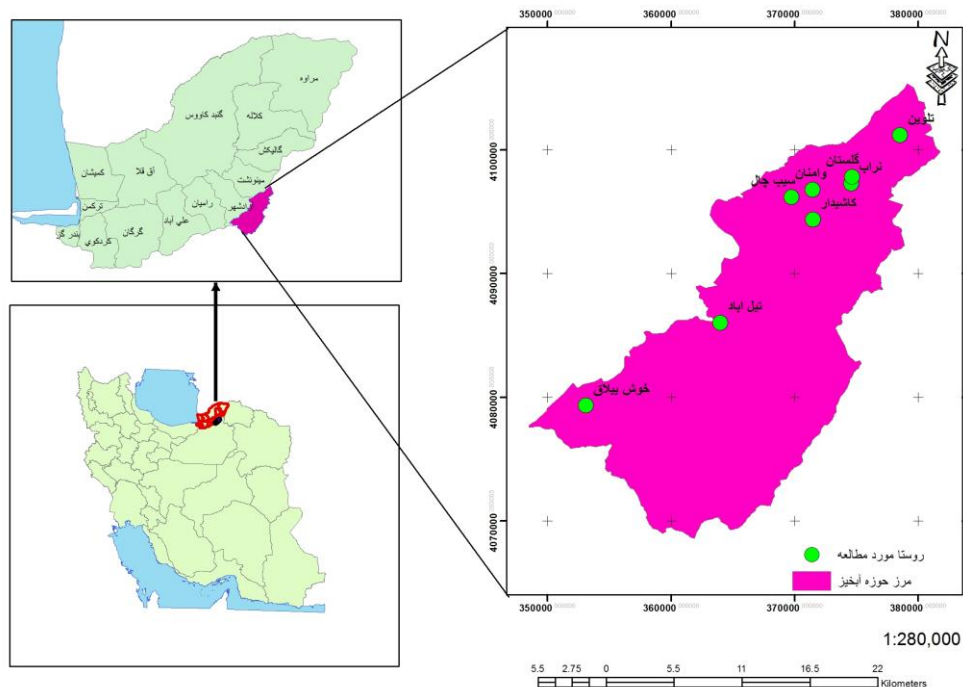
برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های کلان بهره برد.

### روش تحقیق

**منطقه مورد مطالعه:** استان گلستان با مساحت حدود ۱۳۹۷ هزار هکتار (معادل ۶۸ درصد سطح استان و ۲۲۰۰ هزار هکتار حوزه آبخیز می‌باشد. این استان دارای ۸۶۳ هزار هکتار مرتع و ۴۵۲ هزار هکتار عرصه‌های جنگلی است. محدوده مورد مطالعه حوزه آبخیز تیل‌آباد با وسعتی معادل ۴۸۳۲۹ هکتار که دارای دو زیر حوزه هیدرولوژیک تیل‌آباد و کاشیدار می‌باشد، که در بخش جنوبی شهرستان آزادشهر است (شکل ۱). طبق مطالعات انجام گرفته، در حوزه آبخیز تیل‌آباد حدود ۷۵۰۰ نفر ساکن بوده و شغل اصلی ساکنین آن دامداری و کشاورزی می‌باشد. روستاهای حوزه آبخیز تیل‌آباد عبارتند از: تیل‌آباد، خوش بیلاق، کاشیدار، وامنان، سیب چال، نراب، تلویین و گلستان می- باشد (اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، ۱۳۹۳).

ترس از خطر، نابرابری جنسیتی و ناتوانی در حفظ تعادل کار و زندگی، بیان کرده‌اند. Timmapur and Hasalkar (۲۰۱۸) در نتایج تحقیقات‌شان در شمال منطقه کارناتاکای کشور هند بیان داشته‌اند که عوامل اقتصادی، اجتماعی و شخصیتی از مهم‌ترین مشکلات زنان برای شروع کسب‌وکارهای خانگی است.

بر مبنای پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، موانع و مشکلات زیادی پیش‌روی کسب‌وکارهای زنان روستایی قرار دارند. لذا شناسایی موانع و چالش‌های زنان روستایی منطقه مورد مطالعه در زمینه کسب‌وکار در روستاها با توجه به اجرایی شدن پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در حوزه آبخیز تیل‌آباد با هدف توانمندسازی و توان‌افزایی جوامع محلی، اهمیت تحقیق حاضر را دوچندان نموده است. به طوری که می‌توان از نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر در رفع موانع موجود بر کسب‌وکار زنان روستایی در



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

منبع: یافته‌های پژوهش

این آزمون نشانگر آن است که همبستگی میان زوج متغیرها را نمی‌توان از طریق سایر متغیرها تبیین کرد. به عبارت دیگر آزمون KMO این سوال را مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا میزان همبستگی میان متغیرها کوچک است یا خیر. مقدار KMO بزرگتر از ۰/۵۰ نشانگر کفایت حجم نمونه است (رحیمی - پردنجانی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۶). معنی‌داری اطلاعات موجود در یک ماتریس و به عبارتی دیگر مناسب بودن داده‌ها، از طریق آزمون بارتلت صورت می‌گیرد. در این آزمون فرض صفر این است که متغیرها فقط با خودشان همبستگی دارند. رد فرض صفر نیز حاکی از آن است که ماتریس همبستگی دارای اطلاعات معنی‌داری است و حداقل شرایط لازم برای انجام دادن تحلیل عاملی وجود دارد. نظر به این که نتایج آزمون KMO و بارتلت در جهت تأیید ادامه تحلیل عوامل بود، مراحل بعدی به اجرا درآمد. برای تعیین تعداد موانع کسب‌وکار زنان روستایی، سه شاخص مقدار ویژه، درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل و درصد تجمعی واریانس تبیین شده، مورد استفاده قرار گرفت. در گام بعدی تحلیل عاملی، برای شناسایی موانع کسب‌وکار زنان در تحقیق حاضر، ۳۰ گویه پرسشنامه نهایی به شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی با استفاده از چرخش آزمایشی از نوع واریماکس و همچنین با بکارگیری آزمون نرمال‌سازی کایسر و با تعیین نقطه برش یا بارعاملی حداقل ۰/۴، مورد تحلیل عاملی قرار گرفت (محمدی و محمدشریفی، ۱۳۹۸). همچنین در بخش آمار توصیفی از مقادیر درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی نیز برای رتبه‌بندی و مقایسه موانع کسب‌وکار زنان از آزمون فریدمن و مقایسه موانع در گروه‌های مختلف پاسخگویان از آزمون من‌ویتنی با استفاده از نرم‌افزار SPSS21 بهره گرفته شد.

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات جزء پژوهش‌های توصیفی است که به صورت میدانی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را ۹۰ نفر از زنان فعال در کسب‌وکارهای کوچک و خانگی در زمینه‌های مختلف به ویژه گیاهان دارویی در حوزه آبخیز تیل‌آباد در استان گلستان تشکیل داده‌اند که همه آن‌ها به عنوان حجم نمونه و به صورت سرشماری انتخاب شده و پرسشنامه بین آن‌ها به صورت هدفمند توزیع گردید. ابزار سنجش تحقیق دارای ۴۹ گویه است که به ۳۰ گویه آن از طریق طیف لیکرت (خیلی کم با ارزش عددی ۱، کم با ارزش عددی ۲، تا حدودی با ارزش عددی ۳، زیاد با ارزش عددی ۴ و خیلی زیاد با ارزش عددی ۵)، ۳ گویه به صورت کمی و ۹ گویه نیز به صورت اسمی مورد سنجش قرار گرفت. جهت تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، پس از تهیه آن، از سوی کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان صورت گرفت. همچنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه نیز مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۵۳ به دست آمد که نشان دهنده همگرایی و همبستگی درونی سوالات است. پس از گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از آزمون تحلیل عاملی از نوع اکتشافی مبتنی بر روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس به منظور خلاصه‌سازی، طبقه‌بندی و همچنین تعیین موانع اصلی کسب‌وکار زنان در روستاهای منطقه مورد مطالعه، تعیین روایی سازه و برای تعیین این مطلب که محتوای پرسشنامه از چه عواملی اشباع شده است، بهره گرفته شد. در این آزمون کفایت نمونه‌گیری توسط  $KMO^3$  مشخص می‌شود. در صورت معنی‌دار بودن این آزمون، محقق از کافی بودن حجم نمونه مطمئن می‌شود. همچنین

### نتایج

**ویژگی‌های فردی پاسخگویان:** بر اساس نتایج، ۷۱/۱ درصد از پاسخگویان را متأهلین و مابقی را مجردها تشکیل دادند. متوسط سنی آن‌ها ۳۳/۳۶ سال بود که حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۲۰ و ۶۴ سال بوده است. یافته‌ها نشان داد، ۷۴/۴ درصد با بیشترین فراوانی دارای ۴ عضو و کمتر از آن در خانوار بودند که متوسط آن ۳/۹۶ نفر در بین افراد مورد مطالعه است. همان‌طور که یافته‌ها نشان داد، سطح تحصیلات ۳۰ درصد با بیشترین فراوانی فوق‌دیپلم و ۴/۴ درصد از آن‌ها نیز با کمترین فراوانی در حد لیسانس بود. به بیان دیگر ۴۷/۸ درصد از افراد مورد مطالعه بی‌سواد یا تحصیلاتی در حد ابتدایی و راهنمایی داشتند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که ۳۵/۶ درصد دارای تجربه قبلی کسب‌وکار بوده‌اند. ۱۳/۳ درصد دارای شغل دیگری به جزء کسب‌وکارشان در زمینه‌های مختلف بودند.

**موانع کسب‌وکار زنان روستایی:** نتایج ارائه شده در

جدول ۱ رتبه‌بندی موانع کسب‌وکار زنان در روستاهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. با توجه به این که مقدار میانگین بین ۱ تا ۵ می‌باشد، لذا گویه‌های با میانگین بیشتر از ۳ دارای اهمیت بالاتر و گویه‌های دارای میانگین کمتر از ۳ دارای اهمیت پایین‌تر هستند. بر این اساس یافته‌ها حاکی از آن است که، گویه‌های «عدم تمایل بانک‌ها و مؤسسات مالی به دادن وام به زنان دارای کسب‌وکار»، «تجربه ناکافی در کسب‌وکار مورد نظر» و «عدم استقلال مالی و توانایی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح» به ترتیب با میانگین‌های ۳/۹۱، ۳/۸۰ و ۳/۷۱، از موانع اصلی کسب‌وکار زنان در روستاهای مورد مطالعه بوده است. به طوری که، گویه‌های «بالا بودن وظایف زنان در خانواده‌های روستایی»، «هنجارهای محلی مبتنی بر عدم پذیرش زنان در بازار کار» و «عدم توانایی در مدیریت اعضاء در کسب‌وکار» با مقادیر میانگین ۲/۴۶، ۲/۳۹ و ۲/۲۰، اهمیت کمتری نسبت به سایر فاکتورها در کسب‌وکار آن‌ها داشته است.

جدول ۱- موانع کسب‌وکار زنان روستایی

رتبه	انحراف معیار	میانگین	موانع کسب‌وکار
۱	۰/۳۲	۳/۹۱	عدم تمایل بانک‌ها و مؤسسات مالی به دادن وام به زنان دارای کسب‌وکار
۲	۰/۴۰	۳/۸۰	تجربه ناکافی در کسب‌وکار مورد نظر
۳	۰/۴۶	۳/۷۱	عدم استقلال مالی و توانایی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح
۴	۰/۶۰	۳/۶۸	عدم شرکت در دوره‌های آموزشی در زمینه ارتقاء کسب‌وکار
۵	۰/۵۳	۳/۶۲	سطح پایین مهارت زنان در کسب‌وکار
۶	۰/۵۸	۳/۵۴	عدم حمایت دوستان و بستگان از زنان دارای کسب‌وکار
۷	۰/۶۹	۳/۴۹	عدم داشتن اطلاع و آگاهی جامع نسبت به کسب‌وکار
۸	۰/۵۸	۳/۴۶	بازاریابی نامناسب و کارآمد برای حفظ کسب‌وکار
۹	۰/۶۷	۳/۳۲	دانش پایین در مورد بازار و کسب‌وکار
۱۰	۰/۶۸	۳/۳۲	عدم جدیت در توسعه کسب‌وکار
۱۱	۰/۷۳	۳/۳۰	عدم داشتن منابع مالی و سرمایه مناسب برای کسب‌وکار
۱۲	۰/۷۴	۳/۲۶	وظایف و شرایط خانوادگی نامناسب برای شروع اشتغال
۱۳	۰/۶۱	۳/۲۲	ناکارآمدی زنان در کسب‌وکار
۱۴	۰/۷۵	۳/۲۰	نداشتن دستاوردهای نو در توسعه کسب‌وکار
۱۵	۰/۶۵	۳/۱۹	عدم مدیریت دقیق در فروش محصولات تولیدی

۱۶	۰/۷۵	۳/۱۷	وظایف و شرایط خانوادگی نامناسب برای موفقیت اشتغال
۱۷	۰/۶۱	۳/۱۴	عدم کیفیت تولید در کسب و کار
۱۸	۰/۸۲	۳/۱۴	پایین بودن سطح ارتباط با جوامع روستایی در ایجاد کسب و کار موفق
۱۹	۰/۶۲	۳/۱۳	عدم دسترسی به مواد مورد نیاز در کسب و کار
۲۰	۰/۵۵	۳/۰۸	نگرش منفی ضرر و زیان و خسارت نسبت به کسب و کار
۲۱	۰/۵۹	۳/۰۱	سطح پایین آینده‌نگری کسب و کار در زنان
۲۲	۰/۶۴	۳/۰۱	وضعیت نامناسب حاکم بر کسب و کار زنان در روستا
۲۳	۰/۸۳	۳/۰۰	عدم خودشناسی و بدقابالی افراد
۲۴	۰/۶۱	۲/۹۹	تردید به توانایی‌های زنان در کسب و کار
۲۵	۰/۵۶	۲/۷۸	عدم ترویج کسب و کار زنان توسط سازمان‌های دولتی
۲۶	۰/۷۵	۲/۴۶	حمایت ناکافی خانواده از کسب و کار زنان
۲۷	۰/۶۳	۲/۸۸	ساختار نامناسب در زندگی افراد
۲۸	۰/۶۶	۲/۴۶	بالا بودن وظایف زنان در خانواده‌های روستایی
۲۹	۰/۷۰	۲/۳۹	هتجارهای محلی مبتنی بر عدم پذیرش زنان در بازار کار
۳۰	۱/۰۳	۲/۲۰	عدم توانایی در مدیریت اعضاء در کسب و کار

منبع: یافته‌های پژوهش

با ۰/۷۴۷ و مقدار بارتلت ۱۵۰۶/۸۰۶ که در سطح معنی-داری ۹۹ درصد اطمینان قرار دارد که حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل می‌باشد (جدول ۲).

**یافته‌های مربوط به تحلیل عوامل:** در این تحقیق هدف از کاربرد تحلیل عاملی استخراج موانع اصلی تبیین‌کننده کسب و کار زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه بوده است. بر اساس یافته‌های به دست آمده، مقدار KMO برابر است

جدول ۱- آزمون کفایت نمونه‌برداری و کرویت بارتلت در موانع کسب و کار زنان روستایی

آزمون KMO	۰/۷۴۷
آماره $x^2$	۱۵۰۶/۸۰۶
آزمون بارتلت	۴۳۵
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

گویه در عامل هفتم و ۴ گویه در عامل هشتم قرار گرفت.

بر اساس یافته‌های به دست آمده در جدول ۳ عامل اول با مقدار ویژه ۴/۶۸۶ به تنهایی تبیین‌کننده ۱۵/۶۲۰ درصد واریانس کل می‌باشد. عامل‌های دوم تا هشتم نیز به ترتیب ۱۰/۷۴۲، ۹/۷۴۶، ۸/۳۰۱، ۷/۶۴۷، ۷/۲۰۷، ۶/۹۱۵ و ۵/۲۸۱ درصد کل واریانس

جدول ۳ تعداد عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس تبیین شده و درصد واریانس تجمعی تبیین شده آن‌ها را نشان می‌دهد. تحلیل داده‌ها با روش چرخش واریماکس منجر به قرار گرفتن ۳ گویه در عامل اول، ۴ گویه در عامل دوم، ۳ گویه در عامل سوم، ۳ گویه در عامل چهارم، ۵ گویه در عامل پنجم، ۵ گویه در عامل ششم، ۳



را تبیین می‌کنند. به طور کلی هشت عامل فوق در مجموع ۷۱/۴۵۸ درصد کل واریانس را تبیین می‌نمایند. وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض شدن متغیرهای با بار عاملی بزرگتر از ۰/۴ پس از چرخش عامل‌ها به روش واریماکس و نامگذاری عامل‌ها به شرح جدول ۴ صورت گرفت.

جدول ۳- شاخص‌های آماری تحلیل عاملی مربوط به موانع کسب‌وکار زنان روستایی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده	تعداد گویه
عامل اول	۴/۶۸۶	۱۵/۶۲۰	۱۵/۶۲۰	۳
عامل دوم	۳/۲۲۳	۱۰/۷۴۲	۲۶/۳۶۲	۴
عامل سوم	۲/۹۲۴	۹/۷۴۶	۳۶/۱۰۸	۳
عامل چهارم	۲/۴۹۰	۸/۳۰۱	۴۴/۴۰۸	۳
عامل پنجم	۲/۲۹۴	۷/۶۴۷	۵۲/۰۵۵	۵
عامل ششم	۲/۱۶۲	۷/۲۰۷	۵۹/۲۶۲	۵
عامل هفتم	۲/۰۷۴	۶/۹۱۵	۶۶/۱۷۷	۳
عامل هشتم	۱/۵۸۴	۵/۲۸۱	۷۱/۴۵۸	۴

جدول ۴- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و بار عاملی آن‌ها در ماتریس چرخش یافته

نام عامل	گویه‌ها	بار عاملی
موانع شخصیتی	عدم جدیت در توسعه کسب‌وکار	۰/۸۱۹
	عدم توانایی در مدیریت اعضاء در کسب‌وکار	۰/۵۸۷
	عدم خودشناسی و بداقبالی افراد	۰/۷۷۸
موانع فرهنگی	وظایف و شرایط خانوادگی نامناسب برای شروع اشتغال	۰/۷۹۶
	وظایف و شرایط خانوادگی نامناسب برای موفقیت اشتغال	۰/۸۷۶
	وضعیت نامناسب حاکم بر کسب‌وکار زنان در روستا	۰/۵۸۷
	ساختار نامناسب در زندگی افراد	۰/۵۶۸
موانع روانشناختی	تصور بر ناکارآمدی زنان در کسب‌وکار	۰/۶۷۷
	تردید به توانایی‌های زنان در کسب‌وکار	۰/۶۰۷
	سطح پایین آینده‌نگری کسب‌وکار در زنان	۰/۵۳۴
موانع اجتماعی	پایین بودن سطح ارتباط با جوامع روستایی در ایجاد کسب-وکار موفق	۰/۸۵۷
	هنجارهای محلی مبتنی بر عدم پذیرش زنان در بازار کار	۰/۵۳۵
	بالا بودن وظایف زنان در خانواده‌های روستایی	۰/۸۰۲
موانع اقتصادی	عدم داشتن منابع مالی و سرمایه مناسب برای کسب‌وکار	۰/۸۱۵
	عدم تمایل بانک‌ها و مؤسسات مالی به دادن وام به زنان دارای کسب‌وکار	۰/۷۱۲
	نگرش منفی ضرر و زیان و خسارت نسبت به کسب‌وکار	۰/۶۴۸
	عدم استقلال مالی و توانایی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح	۰/۷۹۸
	بازاریابی نامناسب و کارآمد برای حفظ کسب‌وکار	۰/۷۴۷

۰/۴۵۷	عدم دسترسی به مواد مورد نیاز در کسب‌وکار	
۰/۴۳۱	عدم ترویج کسب‌وکار زنان توسط سازمان‌های دولتی	
۰/۷۷۵	حمایت ناکافی خانواده از کسب‌وکار زنان	موانع حمایتی - مدیریتی
۰/۵۵۱	عدم حمایت دوستان و بستگان از زنان دارای کسب‌وکار	
۰/۶۸۶	عدم مدیریت دقیق در فروش محصولات تولیدی	
۰/۸۴۱	عدم داشتن اطلاع و آگاهی جامع نسبت به کسب‌وکار	
۰/۶۹۳	عدم شرکت در دوره‌های آموزشی در زمینه ارتقاء کسب‌وکار	موانع دانشی - آموزشی
۰/۸۶۱	دانش پایین در مورد بازار و کسب‌وکار	
۰/۷۴۳	سطح پایین مهارت زنان در کسب‌وکار	
۰/۸۱۵	تجربه ناکافی در کسب‌وکار مورد نظر	موانع فنی - مهارتی
۰/۵۹۴	عدم کیفیت تولید در کسب‌وکار	
۰/۶۵۵	نداشتن دستاوردهای نو در توسعه کسب‌وکار	

رتبه‌بندی موانع کسب‌وکار زنان روستایی را در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است بین موانع کسب‌وکار در بین زنان روستایی در سطح ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معنی‌داری دیده شد. به طوری که، موانع «اقتصادی» با میانگین ۷/۸۷ و «حمایتی - مدیریتی» با میانگین ۶/۷۸، مهم‌ترین موانع کسب‌وکار زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه بوده است. ضمن این که، موانع «شخصیتی» و «اجتماعی» با کمترین میانگین رتبه‌ای، کم‌اهمیت‌ترین موانع کسب‌وکار زنان در روستاهای مورد مطالعه بوده است.

**مقایسه موانع کسب‌وکار زنان روستایی در گروه‌های مختلف:** جدول ۶ نتایج مقایسه میانگین موانع کسب‌وکار زنان روستایی در گروه‌های مختلف نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است، موانع کسب‌وکار زنان روستایی در گروه‌های تحصیلی و شرکت در دوره آموزشی در سطح ۹۹ درصد و در گروه‌های نوع کسب‌وکار و داشتن تجربه قبلی کسب‌وکار در سطح ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی‌داری داشت. ضمن این که موانع کسب‌وکار زنان روستایی در گروه‌های سن، تأهل، دریافت وام، داشتن شغل دیگر، عضویت در تشکل‌های روستایی و داشتن تجربه کسب‌وکار در خانواده، تفاوت معنی‌داری دیده نشد.

بنابراین، در مجموع از تحلیل عاملی انجام شده می‌توان هشت مانع کسب‌وکار در زنان روستایی از جمله شخصیتی، روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حمایتی - مدیریتی، دانشی - آموزشی و فنی - مهارتی را استخراج نمود. به طوری که بر اساس مقادیر دست آمده، گویه «عدم جدیت در توسعه کسب‌وکار» از موانع شخصیتی، گویه «وظایف و شرایط خانوادگی نامناسب برای موفقیت اشتغال» از موانع فرهنگی، گویه «تصور بر ناکارآمدی زنان در کسب‌وکار» از موانع روانشناختی، گویه «پایین بودن سطح ارتباط با جوامع روستایی در ایجاد کسب‌وکار موفق» از موانع اجتماعی، گویه «عدم داشتن منابع مالی و سرمایه مناسب برای کسب‌وکار» از موانع اقتصادی، گویه «حمایت ناکافی خانواده از کسب‌وکار زنان» از موانع حمایتی - مدیریتی، گویه «دانش پایین در مورد بازار و کسب‌وکار» از موانع دانشی - آموزشی و گویه «تجربه ناکافی در کسب‌وکار مورد نظر» از موانع فنی - مهارتی، با بیشترین مقدار بار عاملی، بالاترین جایگاه اهمیت را بر کسب‌وکار زنان روستایی در ابعاد مختلف داشتند.

**رتبه‌بندی و مقایسه موانع کسب‌وکار زنان روستایی:** جدول ۵ نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌ها و همچنین

جدول ۵- رتبه‌بندی و مقایسه موانع کسب‌وکار زنان روستایی

اولویت	میانگین رتبه‌ای	موانع کسب‌وکار زنان روستایی
۱	۷/۸۷	اقتصادی
۲	۶/۷۸	حمایتی - مدیریتی
۳	۶/۰۶	فنی - مهارتی
۴	۵/۰۷	فرهنگی
۵	۳/۶۸	دانشی - آموزشی
۶	۲/۷۲	روانشناختی
۷	۲/۱۷	شخصیتی
۸	۱/۶۵	اجتماعی

مقدار مربع کای = ۵۶۲/۷۴۷      درجه آزادی = ۷      سطح معنی‌داری = ۰/۰۰۰۵

جدول ۶- مقایسه موانع کسب‌وکار زنان روستایی در گروه‌های مختلف

متغیر	گروه	میانگین	مقدار U من‌ویننی	سطح معنی‌داری
سن (سال)	۲۰-۳۰	۴۵/۹۳	۹۹۲/۰۰۰	۰/۸۷۲
	بیشتر از ۳۰	۴۵/۰۵		
تاهل	متاهل	۴۳/۷۳	۷۱۹/۰۰۰	۰/۳۱۴
	مجرد	۴۹/۸۵		
تحصیلات	غیردانشگاهی	۵۸/۲۵	۸۹۰/۰۰۰	۰/۰۰۳
	دانشگاهی	۴۳/۳۰		
نوع کسب‌وکار	کشاورزی	۵۵/۸۶	۷۰۰/۰۰۰	۰/۰۱۵
	غیرکشاورزی	۴۴/۳۳		
دریافت وام	خیر	۴۵/۵۷	۸۶۳/۵۰۰	۰/۹۶۹
	بلی	۴۵/۳۴		
داشتن شغل دیگر	خیر	۴۵/۲۴	۴۴۷/۵۰۰	۰/۵۰۸
	بلی	۴۷/۲۱		
عضویت در تشکل‌های روستایی	خیر	۴۵/۲۷	۶۰۴/۰۰۰	۰/۸۶۵
	بلی	۴۶/۴۷		
داشتن تجربه قبلی کسب‌وکار	خیر	۵۰/۰۷	۶۶۳/۰۰۰	۰/۰۲۵
	بلی	۳۷/۲۲		
داشتن تجربه کسب‌وکار در خانواده	خیر	۴۳/۱۵	۸۹۳/۵۰۰	۰/۴۷۵
	بلی	۴۷/۱۴		
شرکت در دوره آموزشی	خیر	۶۱/۳۰	۹۰۲/۵۰۰	۰/۰۰۰
	بلی	۴۶/۱۴		

### بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینی زنان در سراسر جهان رشد چشمگیری داشته و به طور گسترده‌ای بر رشد اقتصادی و ثروت

هر کشوری تأثیر به‌سزایی گذاشته است (De Vita, 2013). با وجود این حقایق، مشارکت زنان در کسب-وکارها تقریباً در همه جوامع از مردان کمتر است. لذا

نماید. از این رو، داشتن تجربه نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکاری مسیر توسعه و پیشرفت را هموارتر نموده و مراحل کارآفرینی سریع‌تر طی می‌گردد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که، زنان با داشتن استقلال مالی و توانایی‌شان در برنامه‌ریزی می‌توانند اجرای کسب‌وکار را تسهیل نمایند؛ چرا که پتانسیل و توانایی در انجام کاری از ضروریات موفق در آن کسب‌وکار است. بنابراین زنانی که دارای کمبود مالی هستند برای ارائه استراتژی‌های نوآورانه و توسعه‌ای به مشکل برخوردند و توانایی رقابتی خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند کسب‌وکارشان را حفظ نمایند ( Abdallah and Alnamri, 2015; Radzi et al., 2017). بر اساس نتایج به دست آمده، گویه «بالا بودن وظایف زنان در خانواده‌های روستایی»، «هنجارهای محلی مبتنی بر عدم پذیرش زنان در بازار کار» و «عدم توانایی در مدیریت اعضاء در کسب‌وکار» نسبت به سایر متغیرها، مانع کمتری در کسب‌وکار زنان ایجاد کرده است. از این رو معتقدند توانایی مدیریت کسب‌وکار را داشته و زیاد بودن وظایف در خانواده و همچنین هنجارهای محلی نمی‌تواند مانعی در پیشرفت و توسعه کسب‌وکار آنها باشد. در همین راستا Poggesi و همکاران (۲۰۱۶) بیان داشته‌اند هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، جدی‌ترین موضوعات برای زنان کارآفرین است.

نتایج تحلیل عاملی نشان داد، گویه «عدم جدیت در توسعه کسب‌وکار» مهم‌ترین مانع شخصیتی در کسب‌وکار زنان ارزیابی شد. به بیان دیگر، زنان می‌توانند با ابتکار عمل، فعال بودن، شناسایی فرصت‌ها، پشتکار و تلاش بر موانع مسیر کسب‌وکار غلبه نمایند و به شایستگی‌های شغلی دست یابند (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). از طرفی، «وظایف و شرایط خانوادگی نامناسب برای موفقیت اشتغال» از موانع فرهنگی مورد تأیید (Sathiabama, 2010)،

این امر مورد توجه دانشمندان رشته‌های مختلف در زمینه‌های رفتار و مشخصات زنان کارآفرین و میزان موفقیت تجاری آنها قرار گرفته است. به طوری که هر یک از آنها تأثیرات مثبت و منفی بر روی هر مرحله از فرآیند کارآفرینی زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند (Cabrera and Mauricio, 2017). از این رو با توجه به سهم مهم زنان در توسعه اقتصادی، تحقیق حاضر با هدف شناسایی و طبقه‌بندی موانع کسب‌وکار زنان روستایی در حوزه آبخیز تیل‌آباد استان گلستان بوده و بر همین اساس تجزیه و تحلیل شده است.

همان‌طور که نتایج رتبه‌بندی کلی موانع کسب‌وکار نشان داد، گویه «عدم تمایل بانک‌ها و مؤسسات مالی به دادن وام به زنان دارای کسب‌وکار»، به عنوان مهم‌ترین مانع کسب‌وکار زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه معرفی شد. این یافته با نتایج تحقیقات شاطریان و همکاران (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. با توجه به سرپرست بودن مردها در اغلب خانوارهای روستایی و تأمین معیشت خانواده‌ها از طریق آنها، زنان را با چالش جدی در استقلال مالی مواجه نموده است. به طوری که این امر نگاه مؤسسات و بانک‌های دولتی را تغییر داده و سطح تمایل به حمایت مالی از زنان را کاهش داده است. به‌طور کلی Ahl و همکاران (۲۰۱۶) و Teoh and Chong (۲۰۱۴) معتقدند سیاست‌های دولت برای حمایت از کارآفرینی زنان موجبات موفقیت آنها را فراهم می‌کند. Khan و همکاران (۲۰۲۱) نیز در مطالعات‌شان در کشور پاکستان، دسترسی به منابع مالی را یکی از دلایل موفقیت زنان در کارآفرینی دانسته‌اند. تجربه ناکافی زنان نیز یکی از دلایل اصلی در کسب‌وکارشان است. نتایج تحقیقات Aterido و همکاران (۲۰۱۳) در آفریقای جنوبی یافته‌مورد نظر را مورد تأیید قرار داده و معتقدند داشتن تجربه در کسب‌وکار می‌تواند زنان را در موفقیت‌شان نزدیک‌تر

و اجتماعی را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در کسب‌وکار و کارآفرینی زنان روستایی دانسته‌اند.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی نسبت به غیردانشگاهی‌ها دارای موانع کمتری در کسب‌وکار خود بودند. به بیان دیگر، هر چه میزان تحصیلات در افراد مورد مطالعه بالاتر رفته است، موانع موجود در کسب‌وکار آن‌ها نیز کمتر شده است. این یافته با نتایج تحقیقات Minniti and Naudé (۲۰۱۰)، Sullivan and Meek (۲۰۱۲) و Cronies (۲۰۰۶) همسو می‌باشد. از طرفی، تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط مستقیمی بین سطح تحصیلات زنان با توسعه مشاغل خانگی آن‌ها وجود دارد. یافته‌ها نشان داد، نوع کسب‌وکار در موفقیت آن تأثیرگذار است. این یافته را Sullivan and Meek (۲۰۱۲) در نتایج تحقیقات‌شان مورد تأیید قرار دادند. همچنین نتایج نشان از آن داشت، زنانی که دارای تجربه قبلی در کسب‌وکارشان بودند نسبت به سایرین، با موانع کمتری مواجه بودند. این یافته با نتایج تحقیقات Ekpe و همکاران (۲۰۱۱) همسو بوده و آن را مورد تأیید قرار داده است. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق شرکت در دوره‌های آموزشی توسط زنان موانع مربوط به کسب‌وکار آن را کمتر نموده است. بنابراین دسترسی ناکافی به آموزش و تحصیلات پایین، جزء مهم‌ترین فاکتورهای زنان کارآفرین است (Tadesse, 2020).

با توجه نتایج حاصل از تحقیق و همچنین محدودیت‌های مختلف در کسب‌وکار زنان روستایی منطقه مورد مطالعه، افزایش ارتباطات درون و برون محلی از طریق پیشروهای روستایی و مدیران و رهبران محلی در راستای مطلوب نمودن محیط کسب‌وکار در روستا، تجدید در سیاست‌های حمایتی دولت از زنان کارآفرین جهت تأمین سرمایه‌های مالی جهت راه‌اندازی کسب و کارهای نوپای زنان از طریق

«تصور بر ناکارآمدی زنان در کسب‌وکار» از موانع روانشناختی مورد تأیید (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸)، «پایین بودن سطح ارتباط با جوامع روستایی در ایجاد کسب‌وکار موفق» از موانع اجتماعی مورد تأیید (Powell and Eddleston, 2013)، «عدم داشتن منابع مالی و سرمایه مناسب برای کسب‌وکار» از موانع اقتصادی مورد تأیید (Khan et al., 2021)، «حمایت ناکافی خانواده از کسب‌وکار زنان» از موانع حمایتی-مدیریتی مورد تأیید (Azmi, 2017)، «دانش پایین در مورد بازار و کسب‌وکار» از موانع دانشی-آموزشی مورد تأیید (Muhammad et al., 2017; Wendy and Chong, 2007) و «تجربه ناکافی در کسب‌وکار مورد نظر» از موانع فنی-مهارتی مورد تأیید (Alsos et al., 2013)، در بالاترین درجه اهمیت موانع کسب‌وکار زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه قرار گرفته است. همان طور که نتایج رتبه‌بندی موانع بر اساس آزمون فریدمن نشان داد، بین موانع کسب‌وکار در بین زنان روستایی در تفاوت معنی‌داری بود. به طوری که، این یافته نشان از آن دارد موانع «اقتصادی» و «حمایتی-مدیریتی» مهم‌ترین موانع کسب‌وکار زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه بوده است. Khan و همکاران (۲۰۲۱) نیز در تحقیقات‌شان عوامل اقتصادی را مهم‌ترین فاکتور موفقیت در کارآفرینی زنان دانسته‌اند. به بیان دیگر، عدم تأمین سرمایه مالی و حمایت اقتصادی برای شروع فعالیت کارآفرینی زنان و عدم حمایت دولت از آنان در تأمین سرمایه به میزان کافی و همچنین نابرابری استفاده از اعتبارات در مقابل مردان، مانع کسب‌وکار زنان می‌شود (آنی و همکاران، ۱۳۹۹). از طرفی یافته‌ها نشان داد، موانع «شخصیتی» و «اجتماعی» در کمترین درجه اهمیت موانع کسب‌وکار زنان در روستاهای مورد مطالعه بود. به طوری که، Peris-Ortiz و همکاران (۲۰۱۲) و Omoredé و همکاران (۲۰۱۵) ویژگی‌های شخصیتی

پیشنهادات کاربردی تحقیق حاضر می‌باشد. از این‌رو بررسی ابعاد فرآوری و بازاریابی محصولات تولیدی مشاغل کوچک و متوسط در زمینه‌های مختلف و همچنین تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های پایداری کسب‌وکارهای روستایی می‌تواند در دستور کار محققین و پژوهشگران در آینده قرار گیرد.

اختصاص وام‌هایی با بهره کم و بلندمدت با تسهیل شرایط دریافت و بازپرداخت آن‌ها و به رسمیت شناختن نقش اقتصادی زنان در عرصه‌های قانونی و اعطای تسهیلات، شرکت در دوره‌های آموزشی-ترویجی فرآوری و بازاریابی محصولات تولیدی و ایجاد شرایط برای رقابت با رقبای مشابه، از مهم‌ترین

### منابع

۱. آخرتی، م، آهنگری، ا. و طحان، م. ۱۳۹۷. بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۹ (۳۵): ۱۱۶-۱۰۵.
۲. آئی، ن، خسروی‌پور، ب، آجیلی، ع، و عبدشاهی، ع. ۱۳۹۹. عوامل مؤثر بر توسعه و موانع بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی. نشریه زن و فرهنگ، ۱۱ (۴۴): ۷۰-۶۱.
۳. اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان. ۱۳۹۳. پروژه مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و توسعه پایدار روستایی استان گلستان حوزه آبخیز تیل‌آباد (ترسیب کرین). اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان آزادشهر.
۴. افراخته، ح، اسکندری ثانی، م. و اسمعیل‌نژاد، م. ۱۳۸۸. نقش قالبیابی در توسعه روستایی: مطالعه موردی کارگاه قالبیابی دهستان بالاویت کاشمر. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲ (۱): ۲۸-۱.
۵. امینی، ع. و طاهری، ع.ج. ۱۳۹۵. تحلیلی بر نقش‌پذیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه مناطق روستایی بخش سیمکان در شهرستان جهرم. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۲ (۲): ۵۱-۳۷.
۶. تقی بیگی، م، آگهی، ح. و میرک‌زاده، ع.ا. ۱۳۹۳. بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب. مجله پژوهش‌های روستایی، ۵ (۲): ۳۱۰-۲۸۳.
۷. خسروی‌پور، ب، آئی، ن، آجیلی، ع، و عبدشاهی، ع. ۱۳۹۹. عوامل مؤثر بر توسعه و موانع بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی. مجله زن و فرهنگ، ۱۲ (۴۴): ۷۰-۶۱.
۸. حسینی‌نیا، غ.ح، یعقوبی‌فرانی، ا. و سیدین، س.ر. ۱۳۹۳. سنجش عوامل مؤثر بر عملکرد کسب و کارهای زنان کارآفرین در روستاهای شهرستان میانه. مجله زن در توسعه و سیاست، ۱۲ (۴): ۵۵۸-۵۴۵.
۹. حیدری ساریان، و. ۱۳۹۱. اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (با روش AHP). مجله مطالعات اجتماعی روانشناسی زنان، ۱۰ (۲): ۱۷۷-۱۵۹.
۱۰. رحیمی پردنجانی، ط، و محمدزاده ابراهیمی، ع. ۱۳۹۶. شناسایی عوامل مؤثر بر نارضایتی شغلی معلمان ابتدایی شهر بجنورد. دوماهنامه سلامت کار ایران، ۱۴ (۴): ۸۳-۷۰.
۱۱. سعدی، ح، جلیلیان، س. و یعقوبی‌فرانی، ا. ۱۳۹۳. تأثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی. فصلنامه زن و جامعه، ۵ (۱۹): ۱۰۵-۸۷.
۱۲. سواری، م، شعبانعلی فمی، ح، و شریف‌زاده، م.ش. ۱۳۹۶. موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۶ (۳): ۳۶-۱۷.
۱۳. شاطریان، م، نصرآبادی، ز. و منصوریان، ز. ۱۳۹۶. تحلیل موانع کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان کاشان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۶ (۲۱): ۱۸۱-۱۹۶.
۱۴. صیده، ط، اشراقی سامانی، ر. و پورسعید، ع. ۱۳۹۶. تحلیل نقش توانمندی شغلی بر خوداتکایی زنان روستایی شهرستان ایلام. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۸ (۲): ۵۵۴-۵۷۰.
۱۵. علوی‌زاده، ا.م، شمس‌الدینی، ا. و حسینی، ف. ۱۳۹۵.

25. Ahl, H., Berglund, K., Pettersson, K., and Tillmar, M. 2016. From feminism to FemInc. ism: On the uneasy relationship between feminism, entrepreneurship and the Nordic welfare state. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 12 (2): 369-392.
26. Akter, A., Ahmad, N., Jaafar, W. M. W., Zawawi, D. B., Islam, M. M., and Islam, M. A. 2018. Empowerment of women through entrepreneurial activities of self-help groups in Bangladesh. *Journal of International Business and Management*, 1 (1): 1-15.
27. Alsos, G. A., Hytti, U., and Ljunggren, E. 2013. Gender and innovation: state of the art and a research agenda. *International Journal of gender and Entrepreneurship*, 5 (3): 236-256.
28. Aterido, R., Beck, T., and Iacovone, L. 2013. Access to finance in Sub-Saharan Africa: is there a gender gap?. *World development*, 47: 102-120.
29. Azmi, I. A.G. 2017. Muslim women entrepreneurs motivation in SMEs: A quantitative study in Asia Pacific countries. *Asian Economic and Financial Review*, 7 (1): 27.
30. Bastian, B.L., Metcalfe, B.D., and Zali, M.R. 2019. Gender inequality: entrepreneurship development in the MENA region. *Sustainability*, 11 (22): 6472.
31. Brush, C.G., and Cooper, S.Y. 2012. Female entrepreneurship and economic development: An international perspective. *Entrepreneurship & Regional Development*, 24 (1-2): 1-6.
32. Cabala, L. 2008. Design rural entrepreneurship in practice, COTF System for Community Transformation. New York: Guilford Press.
33. Cabrera, E.M., and Mauricio, D. 2017. Factors affecting the success of women's entrepreneurship: a review of literature. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 9 (1): 31-65.
34. Cronies, S. 2006. Understanding enterprise, entrepreneurship and small business, Macmillan. Basingstoke, 5: 243-246.
35. De Vita, L., Mari, M., and Poggesi, S. 2014. Women entrepreneurs in and from
- بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی در شهرستان کاشمر. فصلنامه زن و جامعه، ۷ (۴): ۲۱۸-۱۹۵.
۱۶. قنبری، ن.، بوزرجمهری، خ. و صادقلو، ط. ۱۳۹۶. موانع و چالش‌های زنان روستایی در ایجاد کسب‌وکارهای کوچک مطالعه موردی: دهستان پایین رخ شهرستان تربت حیدریه. همایش ملی بررسی راهکارهای مدیریت توسعه کارآفرینی روستایی در ایران: سبزوار.
۱۷. گلرد، پ. ۱۳۸۴. عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. مجله زن در توسعه و سیاست، ۳ (۱): ۱۲۳-۱۰۱.
۱۸. محبی، ب. ۱۳۹۰. اشتغال و فقر در جامعه روستایی ایران. سمینار برنامه‌ریزی مراکز و سکونتگاه‌های روستایی: تهران.
۱۹. محمدی، س.، و محمدشریفی، ژ. ۱۳۹۸. بررسی تأثیر موانع گرایش زنان روستایی به کارآفرینی گردشگری (مطالعه موردی: بخش اورامان شهرستان سروآباد). مجله زن در توسعه و سیاست، ۱۷ (۳): ۴۶۸-۴۳۹.
۲۰. ممیز، آ.، قاسمی، س.ع.، و قاسمی، س.ف. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان. مجله رشد فناوری، ۹ (۳۵): ۲۲-۱۵.
۲۱. میرغفوری، س.ح.، صیادی تورانلو، ح.، و طاهری‌دمنه، م. ۱۳۸۸. تبیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: استان یزد). پژوهش‌نامه مدیریت تحول، ۱ (۲): ۴۷-۶۴.
۲۲. میرک‌زاده، ع.ا.، علی‌آبادی، و. و شمس. ع. ۱۳۸۹. واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳ (۲): ۱۶۵-۱۴۷.
۲۳. یاسوری، م.، قرشی، م.ب. و وطن‌خواه، ژ. ۱۳۹۴. تحلیل موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان گوراب‌پس فومن. مجله پژوهش‌های روستایی، ۶ (۲): ۳۲۳-۳۴۲.
24. Abdallah, W. M., and Alnamri, M. 2015. Non-financial performance measures and the BSC of multinational companies with multi-cultural environment: An empirical investigation. *Cross Cultural Management*, 22 (4): 594-607.

- literature review. *Asian Social Science*, 7 (9): 124-130.
46. Mehtap, S., Caputo, A., and Pellegrini M.M. 2016. Encouraging female entrepreneurship in Jordan: environmental factors, obstacles and challenges, in Ramadani V., Dana L.P., Gerguri-Rashiti S. & Ratten V., *Entrepreneurship and Management in an Islamic Context*. Springer.
47. Minniti, M., and Naudé, W. 2010. What do we know about the patterns and determinants of female entrepreneurship across countries?. *The European Journal of Development Research*, 22: 277-293.
48. Muhammad, N., McElwee, G., and Dana, L.P. 2017. Barriers to the development and progress of entrepreneurship in rural Pakistan. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 23 (2): 279-295.
49. Niethammer, C. 2013. Women, entrepreneurship and the opportunity to promote development and business. *Enterprising solutions: The Private Sector in the New Global Development Agenda*.
50. Ojediran, F.O., and Anderson, A. 2020. Women's Entrepreneurship in the Global South: Empowering and Emancipating?. *Administrative Sciences*, 10 (4): 87.
51. Omorede, A., Thorgren, S., and Wincet, J. 2015. Entrepreneurship psychology: a review. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 11 (4): 743-768.
52. Peris-Ortiz, M., Rueda-Armengot, C., and Osorio, D.B. 2012. Women in business: entrepreneurship, ethics and efficiency. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 8 (3): 343-354.
53. Poggesi, S., Mari, M., and De Vita, L. 2016. What's new in female entrepreneurship research? Answers from the literature. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 12 (3): 735-764.
54. Poon, J.P., Thai, D.T., and Naybor, D. 2012. Social capital and female entrepreneurship in rural regions: Evidence from Vietnam. *Applied Geography*, 35 (1-2): 308-315.
55. Powell, G.N., and Eddleston, K. A. 2013. Linking family-to-business enrichment developing countries: Evidences from the literature. *European Management Journal*, 32 (3): 451-460.
36. Ellis, F. 2003. Livelihoods and rural poverty reduction in Kenya. *Development Policy Review*, 13: 566-571.
37. Fallatah, H. 2012. Women entrepreneurs in Saudi Arabia: Investigating strategies used by successful Saudi women entrepreneurs (Master's thesis). Lincoln University, New Zealand.
38. Ghose, S., McElwee, G., Meaton, J., and Durrah, O. 2017. Barriers to rural women entrepreneurs in Oman. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 23 (6): 998-1016
39. Gibson, J. and Olivia, S. 2010. The effect of infrastructure access and quality on non-farm enterprises in rural Indonesia. *World Development*.
40. Hoque, M.E., Long, K.Z., Niessen, L.W., and Mamun, A.A. 2015. Rapid shift toward overweight from double burden of underweight and overweight among Bangladeshi women: a systematic review and pooled analysis. *Nutrition reviews*, 73(7): 438-447.
41. Jamali, D. 2009. Constraints and opportunities facing women entrepreneurs in developing countries: a relational perspective. *Gender in Management: An International Journal*, 24 (4): 232-251.
42. Javadian, G., and Singh, R.P. 2012. Examining successful Iranian women entrepreneurs: an exploratory study. *Gender in management: An International Journal*, 27(3): 148-164.
43. Khan, R.U., Salamzadeh, Y., Shah, S.Z.A., and Hussain, M. 2021. Factors affecting women entrepreneurs' success: a study of small-and medium-sized enterprises in emerging market of Pakistan. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 10 (1): 1-21.
44. Kumbhar, V. 2013. Some critical issues of women entrepreneurship in rural India. *European Academic Research*, 1 (2): 185-192.
45. Ekpe, I., Mat, N., and Che Razak, R. 2011. Attributes, environment factors and women entrepreneurial activity: A



62. Starcher, D.C. 1996. Women entrepreneurs: catalysts for transformation. Available at: [www.ebbf.org/woman.htm](http://www.ebbf.org/woman.htm)
63. Sullivan, D.M., and Meek, W.R. 2012. Gender and entrepreneurship: a review and process model. *Journal of managerial psychology*, 27 (5): 428-458.
64. Tadesse, D.A. 2020. Factors affecting women entrepreneurs in establishing their own business: The case of Afar Region, Ethiopia. *African Journal of Business Management*, 14 (3): 86-92.
65. Teoh, W.M.Y., and Chong, S.C. 2014. Towards strengthening the development of women entrepreneurship in Malaysia. *Gender in Management: An International Journal*, 29 (7): 432-453.
66. Timmapur, A.N., and Hasalkar, S. 2018. Problems faced by women entrepreneurs in rural areas of northern Karnataka. *International Journal of Home Science*, 4 (1): 270-273.
67. Wendy, T., and Chong, S. 2007. Theorizing a framework of factors influencing performance of women entrepreneurs in Malaysia. *Asia Entrepreneurship and Sustainability*, 5: 42-46.
68. Wennekers, A.R.M., and Thurik, A.R. 1999. Linking entrepreneurship and economic growth. *Small Business Economics*, 13 (1): 27-55.
- and support to entrepreneurial success: do female and male entrepreneurs experience different outcomes?. *Journal of business venturing*, 28 (2): 261-280.
56. Radzi, K.M., Nor, M.N.M., and Ali, S.M. 2017. The impact of internal factors on small business success: A case of small enterprises under the FELDA scheme. *Asian Academy of Management Journal*, 22 (1): 27.
57. Ramadani, V., Hisrich, R.D., and Gërguri-Rashiti, S. 2015. Female entrepreneurs in transition economies: insights from Albania, Macedonia and Kosovo. *World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 11 (4): 391-413.
58. Rijkers, B. 2012. Gender and rural non-farm entrepreneurship. *World development*, 40 (12): 2411-2426.
59. Roomi, M.A., and Parrot, G. 2008. Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan. *International Journal of Entrepreneurship*, 17 (1): 59-72.
60. Saharan, N. 2015. Women empowerment through micro finance: a boon for development.
61. Sathiabama, K. 2010. Rural women empowerment and entrepreneurship development. Working Papers, id: 2475, eSocialSciences: <https://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>



Gorgan University of Agricultural  
Sciences and Natural Resources

*Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 7(3), 2020*

*<http://jead.gau.ac.ir>*

*DOI: 10.22069/jead.2021.19130.1484*

## **Analysis of barriers to rural women's businesses: A study in the Tilabad watershed of Golestan province**

**B. Tabatabaeamid<sup>1</sup>, M.R. Shahraki<sup>2\*</sup>**

<sup>1</sup>Coach Department of Management, Payame Noor University, Iran

<sup>2</sup>Natural Resources and Expert of Headquarters of Natural Resources and Watershed Management of Golestan Province, Iran.

Received: 04/05/2021; Accepted: 26/05/2021

### **Abstract**

Today, women have played an important role in the field of business and economic growth of countries and it is necessary to provide suitable conditions for self-employment and business development in rural areas. Therefore, there are various obstacles and issues in this direction that identifying and trying to overcome them can lead to facilitating their business. The present study was conducted to identify barriers to the processing of rural women's businesses in the Tilabad watershed in Golestan province. This research was based on the survey method. All business women were selected as the statistical population (N = 90) and due to their limitations, all of them were considered as the sample size. Data collection tool was a researcher-made questionnaire that was analyzed based on SPSS<sub>21</sub> software. Based on the results of exploratory factor analysis, eight factors were identified as barriers to rural women's business and the results showed that "economic" barriers with an average of 7.87 and "supportive-managerial" barriers with an average of 6.78 are the most important barriers to women's business. There was a village in the study area. Findings indicated that the barriers to rural women's business in educational groups and participation in training courses were significantly different at the level of 99% and in the groups of business type and having previous business experience at the level of 95% confidence. Therefore, increasing local communication in order to optimize the business environment in the villages under study, renewing government support policies for women entrepreneurs to provide financial capital to start women's start-up businesses through low-interest and long-term loans By facilitating the conditions of receiving and repaying them, they are one of the most important research suggestions.

**Keywords:** Women, Rural, Employment, Barrier, Tilabad.

---

\*Corresponding author; [m.rshahraki@yahoo.com](mailto:m.rshahraki@yahoo.com)